

پوهیالی عبدالحمید رسولی

عضو کادر علمی پوهنتون دفاعی ملی و استاد

قراردادی پوهنځی حقوق و علوم سیاسی

پوهنتون دعوت

abdulhamidrasooli@gmail.com

پوهنوال سیف الله ضیایی

عضو کادر علمی پوهنځی حقوق و علوم

سیاسی پوهنتون البیرونی

دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۴/۱۸

پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۶/۲۵

www.dawat.edu.af
Journal@dawat.edu.af

حقوق بشردوستانه اسلامی در میدان جنگ

چکیده

این تحقیق به هدف شناخت اقدامات بشر دوستانه اسلام در میدان نبرد و گسترش و ترویج حقوق بشردوستانه اسلامی در جامعه مبتنی بر این سوال (اسلام چه اقداماتی و دستوراتی را در ارتباط با حقوق بشردوستانه در میدان جنگ ارائه داده است؟) انجام شده است. این تحقیق از نوع تحقیق تحلیلی - توصیفی بوده و اطلاعات با استفاده از روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است. نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد که حقوق بشر دوستانه اسلامی پیرامون جنگ بر گذشت، ترحم و همدردی مبتنی بوده و حیات انسان‌ها و کرامت انسانی از اصول مسلم اسلامی است که در جنگ حائز اهمیت شایانی می‌باشد. از این رو، رسماً رفتار غیر انسانی، قتل عمد، مثله کردن و شکنجه و هر شکل دیگر از رفتار تحقیرآمیز با دشمن را ممنوع می‌سازد. مطابق با حقوق بشردوستانه اسلامی، افراد نظامی و غیر نظامی در منازعات مسلحانه باید تفکیک شوند و خصومت تنها بین نیروهای مسلح مجاز می‌باشد. تمامی حملات کورکورانه و بدون تفکیک که منجر به ایجاد وحشت و ترور و عملیات تلافی‌جویانه علیه غیر نظامیان و جمعیت غیر نظامی می‌گردد، ممنوع است. در حقوق اسلام حمایت ویژه‌ای از برخی طبقات غیر نظامی مانند اطفال، زنان، سالخورده‌گان، افراد بیمار شده و روحانیان پیش‌بینی شده است. بر اساس منابع حقوق اسلام، جنگجوی مسلمان حق ندارد در مقام انتقام‌جویی به مجازات جمعی دشمن مبادرت ورزد. اسلام در مورد رفتار با مجروحان و اسیران جنگی قواعد انسان‌دوستانه روشنی دارد و برای آنان حقوق خاصی قائل است، از جمله رعایت احترام و منع شکنجه، حفظ وحدت خانوادگی، تضمین حق ارتباط با خانواده و آزادسازی از روی عطف و رأفت. واژه‌های کلیدی: حقوق بشردوستانه، اسلام، حیات انسان، کرامت انسانی، اسیران جنگ.

Abstract

This research has been done with the aim of knowing the humanitarian actions of Islam in the battlefield and expanding and promoting Islamic humanitarian rights in the society based on this question (what actions and instructions has Islam presented in relation to humanitarian rights in the battlefield?). This research is analytical-descriptive research and the information was collected using the library method.

The result of this research shows that Islamic humanitarian rights around war are based on forgiveness, pity and sympathy, and human life and human dignity are among the Islamic principles that are very important in war. Therefore, it officially prohibits inhumane treatment, intentional killing, mutilation and torture and any other form of degrading treatment of the enemy. According to Islamic humanitarian law, military and civilian people must be separated in armed conflicts and hostilities are allowed only between armed forces. All blind and indiscriminate attacks that lead to terror and retaliatory operations against civilians are prohibited.

Islamic law provides special protection for some civilian classes such as children, women, the elderly, sick people, and clerics. According to the sources of Islamic law, the Muslim soldier has no right to take collective punishment of the enemy as revenge. Islam has clear humanitarian rules regarding the treatment of the wounded and war captives and gives them special rights, including respecting and prohibiting torture, preserving family unity, guaranteeing the right to communicate with the family, and liberating them out of compassion and kindness.

Keywords: humanitarian rights, Islam, human life, human dignity, war captives.

Dawat Academic Journal

Fifth Year, Issue 1
(Spring & Summer 2024)

Volume
10

Received: 2024-7-8
Accepted: 2024-9-15

www.dawat.edu.af
Journal@dawat.edu.af

مقدمه

موضوع مورد بحث در این مقاله، بررسی حقوق بشردوستانه اسلامی در میدان جنگ می‌باشد. دین اسلام با در نظر گرفتن تمامی ابعاد جامعه انسانی و حیات اجتماعی، نسبت به رخداد جنگ و منازعات مسلحانه بی‌توجه نبوده و برای کاهش خسارات ناشی از این پدیده، حدود و مقرراتی را وضع نموده است. در این راستا، حیات انسان و کرامت انسانی به‌عنوان مرکز توجه حقوق بشردوستانه اسلامی شناخته می‌شود. اسلام دین رحمت و انسانیت است. از نگاه اسلام، انسان برترین مخلوق در روی زمین و در میان سایر موجودات است. اسلام به انسان کرامت و برتری داد و معیار انسانیت را تقوا قرار داد. اسلام نسبت به انسان دیدگاه رحیمانه داشته و به حاکمان تأکید می‌کند که به انسان به دید رحمت و مهربانی بنگرند و از ظلم و تعدی بر آن‌ها خودداری نمایند. اسلام بر حفظ حیات انسان، کرامت انسانی و حرمت و آزادی انسان‌ها تأکید فراوانی دارد. هدف اسلام نجات انسان‌ها و هدایت و رساندن آنان به کمال معرفت می‌باشد نه کشتن و نابود کردن و گمراه ساختن آن‌ها و توصیه می‌کند که با دشمنان‌تان احسان کنید. خداوند احسان کننده‌ها را دوست دارد. اسلام به پیروان خود تأکید می‌کند که تجاوز نکنید؛ زیرا خداوند تجاوزکاران را دوست ندارد.

در شرایط کنونی، با تجربه بیش از چهار دهه جنگ در افغانستان و وقوع نقض گسترده قوانین جنگ، ضرورت تحقیق در این زمینه احساس می‌شود. دلیل اصلی این نقض، عدم آگاهی طرف‌های درگیر از احکام بشردوستانه اسلامی و اسناد بین‌المللی جنگ است. از این رو، هدف اساسی این تحقیق، افزایش آگاهی، ترویج و گسترش حقوق بشردوستانه اسلامی در جامعه و میان نیروهای مسلح کشور می‌باشد. سوال محوری تحقیق کنونی این‌گونه مطرح می‌شود که «اسلام چه اقداماتی و دستوراتی را در ارتباط با حقوق بشردوستانه در میدان جنگ ارائه داده است؟» به‌نظر می‌رسد نصوص اولیه، شامل قرآن کریم و همچنین رفتار و گفتار پیامبر -صلی الله علیه وسلم- خلفای راشدین و سایر

پیشوایان دین، بر رعایت حقوق انسان، حفظ حیات و کرامت انسانی و تأمین عدالت و احسان نسبت به قربانیان جنگ تأکید دارد. علاوه بر این، اسلام دارای ضمانت اجرایی مادی، معنوی و اخروی نیز می‌باشد. نوعیت این پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و داده‌ها با استفاده از روش کتابخانه‌ای با درک بهتر از احکام اسلامی و نصوص و رفتار پیامبر -صلی الله علیه وسلم- و بزرگان دین، جمع‌آوری شده است.

پیشینه تحقیق

براساس مطالعات پیشینه‌ای، به نظر می‌رسد که در گذشته به ترویج حقوق بشردوستانه اسلامی در کشور ما توجه چندانی نشده و محققین به‌ندرت به این مسأله پرداخته‌اند. یکی از آثار جدید در این زمینه، کتاب «حقوق بین‌المللی بشردوستانه» است که توسط دکتر محمد قاسم الیاسی در سال ۱۳۹۹ منتشر شده و صرفاً به مقایسه بین اسناد بین‌المللی و احکام اسلامی می‌پردازد. به علاوه، اثر دیگر محمد اعظم طارق با عنوان «حقوق جنگ؛ مبانی مقررات حقوق بشردوستانه در اسلام و حقوق بین‌الملل» که در سال ۱۳۹۱ تهیه شده، تنها در یک فصل به مبانی حقوق بشردوستانه اسلامی اشاره کرده است. با این حال، تحقیقی که به صورت منظم و با اتکا به منابع حقوق اسلامی به بررسی این موضوع پرداخته باشد، کمتر مشاهده می‌شود. این کمبود تحقیقات در زمینه حقوق بشردوستانه اسلامی، ضرورت انجام این پژوهش را دو چند می‌کند و امید است با انجام این تحقیق، گامی هرچند کوچک در راستای ترویج و فهم بهتر این حقوق در جامعه برداشته شود.

مباحث نظری و مفاهیم

این تحقیق با تأکید بر رویکرد دینی و وحیانی، بر مبنای نص قرآن کریم و رفتار و گفتار پیامبر -صلی الله علیه وسلم- و همچنین منابع حقوق اسلامی طراحی شده است. هدف از این چهارچوب نظری، بررسی اصول حقوق بشردوستانه اسلامی و آثاری است که با التزام به صلح، امنیت و عدالت در جامعه انسانی کمک می‌کند. به گفته عباس علی

عظیمی شوشتری (۱۳۹۲)، اسلام بر حفظ حیات انسان، کرامت انسانی و حرمت و آزادی انسان‌ها تأکید فراوانی دارد.

در این راستا، اصل وجود و ضرورت حقوق بشردوستانه در اسلام به این صورت است که باید هرگونه لطمات غیرمتعارف جنگی و رفتارهای غیر انسانی در جنگ پیشگیری شود. این حقوق به اعتبار کرامت ذاتی که خداوند به انسان عطا کرده و به اعتبار درک فطری و وجدانی انسان در رعایت این حقوق اهمیت دارند. این ضرورت با توجه به خواست شارع مقدس اسلام شکل می‌گیرد که برای حفاظت از قربانیان جنگ و نیروها و مراکز امدادی در نظر گرفته شده است.

مفهوم شناسی اصطلاحات کلیدی تحقیق در تبیین مسئله نقشی اساسی دارد و محقق را به سمت رسیدن به هدف کمک می‌کند. از این رو، در ادامه این بحث لازم است اصطلاحات کلیدی زیر مفهوم شناسی شوند.

۱. **مفهوم حقوق بشردوستانه:** حقوق بشردوستانه عبارت است از مجموعه‌ای از مقررات که حداقل حقوقی را که طرفین متخاصم در زمان جنگ و درگیری مسلحانه باید رعایت کنند، تعیین می‌کند. این حقوق از یک سو ماهیتی انسانی دارند و باید بدون توجه به رنگ، نژاد، زبان، مذهب و ملیت احترام گذاشته شوند و از سوی دیگر، به واسطه قرار دادها و کنوانسیون‌ها بین دولت‌های مختلف لازم‌الرعایه می‌شوند. (مهرپور، ۱۳۹۰، ۲۴۵)

۲. **مفهوم حقوق بشردوستانه در اسلام:** در اسلام، حقوق بشردوستانه به مجموع امتیازات و اختیارات مشروعی اشاره دارد که دین اسلام در زمان جنگ به دشمنان اعطا کرده است. این حقوق ممکن است به طور مستقیم حمایت از انسان‌ها را هدف قرار دهد یا به حفاظت از اموال، ساختمان‌ها و حتی حیوانات بپردازد. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۵: ۱۴۷)

۳. مفهوم حقوق بین‌الملل اسلامی: حقوق بین‌الملل اسلامی مجموعه‌ای از مقررات است که با هدف برقراری صلح، امنیت و عدالت بین‌المللی توسط شارع مقدس اسلام وضع شده است. این اهداف شامل اجرای مفاد مقررات در روابط دولت‌های اسلامی با یکدیگر و با سایر ملل نیز می‌شود و بسیاری از قواعد آن دارای جنبه انسانی هستند و می‌توان آن‌ها را به عنوان اصول انسانی تلقی کرد. (عظیمی شوشتری، ۱۳۹۲: ۲۱)

۴. تعریف حقوق جنگ در اسلام: حقوق جنگ در اسلام به مجموعه قواعد و احکام فقهی و حکومتی گفته می‌شود که در دوران جنگ یا پس از آن و در مورد مسائل مربوط به جنگ اجرا می‌شوند. کشورهای اسلامی و مسلمانانی که در مخاصمات مسلحانه درگیر هستند، موظف به رعایت این قواعد هستند. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۵: ۱۴۰)

حقوق بشردوستانه در اسلام

حقوق بشردوستانه اسلامی در میدان جنگ و نبرد مبتنی بر آیات، احادیث، اقوال و رفتار صحابه، نظریات فقها و رفتار فرماندهان مسلمان در میدان‌های جنگ در طول تاریخ اسلام از زمان رسول الله -صلی الله علیه وسلم- تا دوره خلافت عثمانی طی چند مؤلفه زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

اول- حقوق بشردوستانه از نگاه قرآن کریم

الف- آیات مورد استناد: در قرآن کریم آیات متعددی وجود دارد که به رفتار بشردوستانه با دشمن در زمان جنگ دستور می‌دهد. قرآن انسان را صاحب کرامت دانسته و قتل غیرموجه یک انسان را جنایت علیه بشریت معرفی می‌کند. احیای یک انسان نیز معادل احیای کل انسانیت است. تعالیم اسلام نشان می‌دهد که خداوند -جل جلاله- مسلمانان را به عدل امر کرده و از خروج از جاده انصاف، حتی در مواجهه با دشمن، بر

حذر می‌دارد. در این راستا، تجاوز، ظلم و اعتداء به شدت نهی شده است. (مجموعه مقالات اولین همایش اسلام، ۱۳۸۶، ۱۸۲)

آیه کرامت انسان ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَهُمْ فِي الْوَحْشِ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾ [الإِسْرَاءُ: ۷]

ترجمه: ما آدمی‌زادگان را (با اعطاء عقل، اراده، اختیار، نیروی پندار و گفتار و نوشتار، قامت راست، و غیره) گرامی‌داشته‌ایم، و آنان را در خشکی و دریا (بر مرکب‌های گوناگون) حمل کرده‌ایم، و از چیزهای پاکیزه و خوشمزه روزی‌شان نموده‌ایم، و بر بسیاری از آفریدگان خود کاملاً برتریشان داده‌ایم.

۱- آیه منع آدم‌کشی جز در قبال قتل نفس یا فساد در روی زمین: ﴿كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَءِيلَ أَنَّهُ مَن قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا﴾ [المَائِدَة: ۳۲]

ترجمه: به همین جهت بر بنی‌اسرائیل مقرر داشتیم که هرکس انسانی را بدون ارتکاب قتل، یا فساد در زمین بکشد، چنان است که گوئی همه انسان‌ها را کشته است، و هرکس انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گوئی همه مردم را زنده کرده است.

۲- آیه عدل و عدم جواز خروج از حدود عدالت و انصاف: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا أَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ [المَائِدَة: ۸]

ترجمه: ای مؤمنان! بر ادای واجبات خدا مواظبت داشته باشید و از روی دادگری گواهی دهید، و دشمنی قومی شما را بر آن ندارد که (با ایشان) دادگری نکنید. دادگری کنید که دادگری (به ویژه با دشمنان) به پرهیزگاری نزدیکتر (و کوتاه‌ترین راه به تقوا و بهترین وسیله برای دوری از خشم خدا) است. از خدا بترسید که خدا آگاه از هر آن چیزی است که انجام می‌دهید.

۳- آیه ممنوعیت قتل غیر نظامیان و منع اعتدا: ﴿وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقْتُلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ﴾ [البقرة: ۱۹۰]
ترجمه: و در راه خدا بجنگید با کسانی که با شما می‌جنگند و تجاوز و تعدی نکنید. زیرا خداوند تجاوزگران را دوست نمی‌دارد.

۴- آیه منع فساد در زمین نابود سازی انسان‌ها و منابع زیست محیطی: ﴿وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ﴾ [البقرة: ۲۰۵]

ترجمه: و هنگامی که پشت می‌کند و می‌رود و یا به ریاست و حکومتی می‌رسد، در زمین به تلاش می‌افتد تا در آن فساد و تباهی ورزد و زرع و نسل انسان‌ها و حیوانات (را نابود کند) و خداوند فساد و تباهی را دوست نمی‌دارد.

۵- آیه برابری انسان‌ها از نظر خلقت. اسلام همه پیروان را به همکاری هرگونه تصور نژاد پرستانه را محکوم و مطرود دانسته و همه انسان‌ها را فرزند یک پدر و مادر معرفی می‌نماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ [الحجرات: ۳۱]

ترجمه: ای مردمان! ما شما را از مرد و زنی به نام آدم و حواء آفریده ایم، و شما را تیره تیره و قبیله قبیله نموده ایم تا همدیگر را بشناسید و هر کسی با تفاوت و ویژگی

خاص درونی و بیرونی از دیگری مشخص شود، و در پیکره جامعه انسانی نقشی جداگانه داشته باشد، بی‌گمان گرامی‌ترین شما در نزد خدا متقی‌ترین شما است. خداوند مسلماً آگاه و باخبر از پندار و کردار و گفتار شما، و از حال همه‌کس و همه چیز است.

۶- رفتار با اسیران جنگی - خداوند جل جلاله در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَيُطْعَمُونَ اَلطَّعَامَ عَلٰى حَبِّهِۦٓ مَسْكِيۡنًا وَيَتِيۡمًا وَّاسِيۡرًا﴾ [الْاِنْسَان: ۸]

ترجمه: و خوراک می‌دادند به بینوا و یتیم و اسیر، در این آیه عَلٰى حَبِّهِ را به دو گونه تفسیر کرده اند: یکی این که برای خاطر رضا و دوستی خدا غذای خود را می‌دهند و دیگر اینکه با نیازی که خود بدان غذا دارند، غذای خود را به فقرا و یتیمان و اسیران می‌دهند. (سید قطب، بی‌تا: ۳۱۸)

همچنان قرآن کریم می‌فرماید: ﴿مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ اَوْ فَسَادٍ فِی الْاَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِیْعًا﴾ [الْمَائِدَة: ۳۲]

همچنین در سوره تکویر با لحن شدید می‌فرماید: ﴿وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ ۖ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ﴾ [التَّكْوِیْر: ۸ - ۹]

ترجمه: یعنی در قیامت پرسیده می‌شود که اطفال و دختران بی‌گناه به چه جرمی در خاک دفن گردیدند.

دوم: حقوق بشردوستانه در رفتار و گفتار پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم

معلوم است که جنگ در اسلام روی دو انگیزه صورت می‌گیرد: دفع تجاوز و تأمین دعوت و زمینه‌سازی برای انتخاب عقیده به مردم. ولی جنگ زمانی الزامی و اجتناب‌ناپذیر می‌شود که تجاوز بالفعل واقع شود و یا قرائن و شواهد وقوع آن آشکار گردد. با وجود آن هم اسلام پیروان خویش را به تأنی دعوت نموده و از شتاب در

جنگ بر حذر داشته است. رسول اکرم-صلی الله علیه وسلم- می فرماید: «لَاتَتَمَنُوا لِقَاءَ الْعَدُوِّ وَإِذَا لَقِيتَهُمْ فَاصْبِرُوا»

ترجمه: مقابله با دشمنان را آرزو مکنید؛ ولی هر گاه که با ایشان روبرو شدید، ثبات و پایداری نشان بدهید و هرگاه که مسلمانان ناگزیر از جنگ شدند، در آن صورت هم لازم است فرمانده اسلام دشمنان را میان سه امر (قبول اسلام، مصالحه و یا جنگ) مخیر گرداند، تا آن‌ها غافلگیر نشوند. با این تخییر در حقیقت مسلمانان به آن‌ها اعلام می‌دارند که منظور ما استعمار اراضی و استعباد انسان‌ها نیست؛ بلکه هدف ما اینست که هر انسان در انتخاب عقیده‌ای دلخواه خویش آزاد و مختار باشد. بسیار جالب است که پیامبر گرامی-صلی الله علیه وسلم- در نیایشی در یکی از جنگ‌ها قبل از آغاز نبرد دارد، وحدت جامعه انسانی و ارتباط آن را با خالق یکتا اعلام می‌دارد: «اللهم انا عبادک، وهم عبادک، نواصینا ونواصیهم بیدک، اللهم اهزمهم وانصرنا علیهم»

ترجمه: بار الهی ما بندگان توایم و ایشان هم بندگان تو اند، سرنوشت همه ما بدست تو است! بارالها ایشان را شکست بده و ما را بر آن‌ها پیروز گردان!

در آغاز دعا، وحدت جامعه انسانی اعم از دوست و دشمن و وحدت آفریدگار هستی را اعلام می‌دارد تا در اثنای نبرد محتاط باشد و هیچگاه انسانی را به ناحق نکشد و جز به جنگ‌جویان و متجاوزان، به افراد بی‌غرض و بی‌طرف و ملکی آسیبی نرساند؛ اما از اینکه آغازگر تجاوز دشمنان بودند و در اخیر شکست ایشان و پیروزی مسلمانان را از خداوند-جل جلاله- استدعا می‌کند. علاوه بر آن، پیامبر گرامی اسلام-صلی الله علیه وسلم- نهایت درجه کوشش می‌کرد تا از مشتعل شدن آتش جنگ جلوگیری به عمل آورد.

وقتی معاذ بن جبل-رضی الله عنه- را برای فتح یمن فرستاد چنین توصیه نمود: «با دشمنان نجنگید تا آن‌ها را دعوت نکنید و چون از قبول دعوت ابا ورزیدند، بجنگ آغاز نکنید تا ایشان آغاز نکنند و چون آغاز کردند، نجنگید تا یکی از شما را نکشند

و چون یکی از شما را به قتل رساندند کشته را به آن‌ها نشان بدهید و بگویید که آیا راهی بهتر از این وجود نداشت؟ زیرا اگر خداوند -جل جلاله- توسط تو یک فرد را به اسلام هدایت کند، بهتر است از هر آنچه که آفتاب بر آن طلوع و غروب کرده است» دیده می‌شود که علاقمندی رسول گرامی اسلام به صلح حتی در لحظاتی که جنگ عملاً آغاز گردیده وجود دارد. او اولاً دشمنان را به امضای قرارداد صلح دعوت می‌کند تا موانع را از سر راه دعوت اسلامی بردارد و بعد از آن نیز آغازگر جنگ نمی‌شود؛ بلکه می‌گذارد که آن‌ها آغاز کنند و حتی بعد از آن که آن‌ها به جنگ آغاز کردند، با آن‌ها نمی‌جنگد تا بالفعل کسی را نکشند و در آن حالت هم با یک دیالوگ حکیمانه ایشان را بر زشتی کارشان متوجه می‌سازد و چون زور منطق در قلب‌های پر کینه‌ای آن‌ها تأثیری نگذاشت، از منطق زور کار گرفته و دست به اسلحه می‌برد تا به یاری و نصرت پروردگار، باطل را سرنگون و حق و حقیقت را بر کرسی نشاند. (محمد ابوزهره، ۱۳۹۳: ۱۰۲)

رباح بن ربیعہ نقل می‌کند که در یکی از جنگ‌ها با پیامبر بودم، پیامبر -صلی الله علیه وسلم- جنازه زنی را دید، ایستاد و فرمود: «چرا این را کشته اند این که سزاوار کشتن نبود» و سپس به یاران خود، رو کرد و به یکی از آن‌ها گفت: زود خود را به خالد بن ولید برسان و بگو نبایستی کودکان و مزدگیران و زنان کشته شوند». (مجموعه مقالات اولین همایش اسلامی و حقوق بشردوستانه، ص، ۲۸۵) بعد از یکی از حادثه‌ها به پیغمبر -صلی الله علیه وسلم- گزارش دادند که دختری را در میدان جنگ کشته اند. پیغمبر، شدیداً ناراحت شد، اصحاب عرض کردند که یا رسول الله چرا ناراحت شدید، او دختر یکی از مشرکان و کفار بود. پیغمبر از شنیدن این حرف خشمناک شد و فرمود که این حرف چه معنی دارد؟! اینها از شما بهترند؛ زیرا این‌ها هنوز بر فطرت پاک خود هستند، مگر شما فرزندان مشرکان بودید! هرگز کودکان را نکشید، هرگز...» (سید قطب، ۱۳۹۱: ۲۵۹)

از نظر اسلام انسان غیر جنگنده اصلاً کشته نمی‌شود. چنانچه پیامبر اسلام -صلی الله علیه وسلم- کشتن زنان، پیر مردان و کودکان را به طور قطع حرام کرده و فرموده است: «لا تقاتلوا شیخاً فانیاً، ولا طفلاً، ولا امرأة، ولا تغلوا»

ترجمه: مرد کهن سال، کودک و زن را نکشید و در جنگ افراط و خیانت نکنید. و هرگاه که کفر سبب قتل می‌بود پیامبر اسلام اصلاً حکمیت و داوری در مورد قبیله یهودی بنی قریضه را نمی‌پذیرفت و اکراه و جبر در دین روا می‌بود، و قبول جزیه نیز از اهل کتاب جواز پیدا نمی‌کرد. (خلیل هدف، ۱۴۰۲: ۷۵)

در مورد اسرای بدر پیامبر گرامی اسلام -صلی الله علیه وسلم- دستور داد: «متوجه این سفارش باشید که رفتار عادلانه با اسرا داشته باشید» ماجر از این قرار بود که سربازان اسلام خود خرما می‌خوردند و اسیران را با نان خود طعام می‌کردند؛ در حالی که اطعام اسیران بدوش دولت اسیر کننده بوده است. سرانجام دستور از پیامبر رسید: «این عده (هفتاد اسیر بدر) را در میان اصحاب و در چادرهای آن‌ها جای دهید و بدانید که باید همیشه به اسیران احترام نمایید. (الیاسی، ۱۳۹۹: ۱۴۰)

احترام به قربانیان جنگ در عصر پیامبر صلی الله علیه وسلم

قربانیان جنگ شامل کسانی هستند که در جنگ مجروح، کشته یا اسیر می‌شوند. پیامبر اسلام -صلی الله علیه وسلم- آزار رساندن به مجروحان را ممنوع کرده و صراحتاً اعلام می‌کرد که مبدا مجروحان را به حال خود رها کنید تا بمیرند. او همچنین به مداوای آن‌ها امر می‌کرد. در غزوه بدر، پیامبر -صلی الله علیه وسلم- اجساد دشمنان را جمع‌آوری کرد و وقتی قریش خواستار جسد «نوفل بن عبدالله بن مغیره» شد، آن را تحویل داد و با وجود اینکه حاضر به پرداخت مبلغی در عوض آن بودند، نپذیرفت. (طارق، ۱۳۹۹: ۱۹۱)

سوم: حقوق بشردوستانه در رفتار و گفتار خلفای راشدین

۱. دستور حضرت ابوبکر صدیق -رضی الله عنه- به اسامه

هنگامی که اسامه عازم جنگ فلسطین می شد، ابوبکر -رضی الله عنه- به اردوگاه سپاهیان رفت و به آن ها دستور عزیمت داد و خود پیاده همراه آن ها شد؛ در حالی که اسامه سوار بر شتر بود. اسامه به ابوبکر گفت: «ای جانشین پیامبر خدا، یا تو سوار شو یا من پیاده می شوم.» ابوبکر پاسخ داد: «نه تو پیاده خواهی شد و نه من سوار می شوم؛ دوست دارم قدم هایم اندکی در راه خدا غبار آلود شود! چه اهمیتی دارد اگر کمی پیاده تو را همراهی کنم؛ زیرا خداوند در برابر هر گامی که مجاهد در راهش بر می دارد، هفتصد عمل صالح و هفتصد درجه پاکی از گناه پاداش عطا می کند.» پس از طی مسافتی، سپس خلیفه مسلمانان به اسامه گفت: «اگر می خواهی عمر را برای کمک من بگذاری»، اسامه این کار را کرد. سپس ابوبکر صدیق به ارتش اسلام چنین خطاب کرد که مردم! من شما را به ده فرمان سفارش می کنم: «غارت نکنید؛ نیرنگ زنید؛ عهد نشکنید؛ مثله نکنید؛ کودکان، زنان و مردان سالمند را نکشید؛ درختان خرما را قطع نکنید؛ بز، گاو و شتر را جز برای غذا نکشید. ممکن است از کنار مردمی که در دیرها عزلت گزیده اند عبور کنید، آن ها و دیرشان را واگذارید». همچنین ممکن است به مردمی بر بخورید که برایتان غذاهای گوناگون می آورند. پس هر غذایی که می خورید، نام خدا را بر زبان جاری کنید.» (محمد حمیدالله، ۱۳۸۴: ۳۵۰)

۲. دستورات حضرت عمر رضی الله عنه

زمانی که حضرت عمر -رضی الله عنه- سپاهیان را اعزام می کرد، فرماندهان را به تقوای الهی سفارش می کرد و غالباً به هنگام تسلیم پرچم می گفت: «به نام خدا و با استعانت از او با توکل به یاری و نصرت الهی گام بردارید. در اقدام به عمل صلح کوشا و ثابت قدم باشید. با آنان که به خدا ایمان نیاورده اند، بجنگید؛ ولی تعدی نکنید؛ زیرا خداوند متعديان را دوست ندارد. در میدان رزم از خود ترس نشان ندهید و از مثله کردن حتی اگر توان آن را داشته باشید، پرهیزید. هنگامی که پیروز شدید، مرتکب تجاوز نشوید. مردان

و زنان سالمند و کودکان را نکشید و سعی کنید در زمان رویارویی دو سپاه، آن‌ها را از قرار گرفتن در معرض کشته شدن دور نگه‌دارید. در غنیمت‌گیری نیرنگ نزنید و جهاد را به متاع دنیوی آلوده نسازید و به عهدی که با خدایتان بسته‌اید دلخوش باشید که این برترین پیروزی است». (محمد حمیدالله، ۱۳۸۴: ۳۸۵)

فرمان حضرت عمر -رضی الله عنه- به حضرت سعد بن ابی وقاص، فرمانده سپاهیان اسلام در جنگ قادسیه، نیز به همین صورت بیان شده است: «به پیمان وفا کنید، که وفا حتی به غلط سودمند است و خیانت حتی به خطا مایه هلاکت است و سبب ضعف شما و نیروی دشمن و ادبار شما خواهد شد. مبداکاری کنید که مایه تحقیر و وهن مسلمانان شود». (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۵: ۴۲)

زمانی که ایران فتح گردید، عمر -رضی الله عنه- با صحابه -رضی الله عنهم- مشورت کرد. عده‌ای بر این نظر بودند که تمام دارایی‌های ایران میان مجاهدین توزیع گردد؛ اما عمر با این نظر مخالفت کرد و هیچ‌کس را از افراد ملکی اسیر نگرفت و غلام و برده قرار نداد. بلکه زمین و املاک را نزد صاحبان آن گذاشت و مالیات بر آن‌ها وضع نمود. این تصمیم به توافق بزرگان صحابه -رضی الله عنهم- رسید و پس از بحث و گفت‌وگو، همه به آن اتفاق نظر داشتند. عملکرد تمام خلفای راشدین و پس از این تصمیم مطابق آن بوده که تاریخ شاهد آن است. (عزیز، ۱۴۰۳: ۱۲)

به همین ترتیب، مسلمانان نوع برخورد سخاوتمندانه و عادلانه عمر را به هنگام فتح بیت المقدس و احترامی را که او برای مکان‌های مذهبی مسیحیان قائل بود، به یاد دارند. (نصر، ۱۳۹۴: ۲۵۰)

۳. دستورات حضرت علی رضی الله عنه

در عهدنامه حضرت علی -رضی الله عنه- به مالک اشتر آمده است: «مهربانی بر رعیت را برای دل خود، پوششی گردان و دوستی ورزیدن با آنان را، با مهربانی کردن با همگان. نه همچون جانوری درنده که خوردنشان را غنیمت بشماری. چه رعیت دو دسته‌اند: دسته‌ای برادر دینی تو هستند و دسته دیگر در آفرینش با تو یکسان‌اند.» در این

عهدنامه، حضرت علی -رضی الله عنه- به سیاستمداران مسلمان توصیه می‌کند که با رعیت (مردم مسلمان) و پیروان سایر ادیان با عدالت و مهربانی رفتار کنند. (مجموعه مقالات همایش اسلامی، ۱۳۸۶: ۵۳۳)

در نهج البلاغه، در نامه چهاردهم، حضرت علی -رضی الله عنه- نیز به لشکریان توصیه می‌کند که رفتار انسانی را در مورد رزمندگان دشمن و غیر نظامیان رعایت کنند. او بر حفظ محیط زیست، احترام به اموال عمومی، رها کردن فراریان، عدم ورود به فضای خصوصی، هتک حرمت نکردن زنان، هجوم نبردن به مجروحان و مثله نکردن کشته‌شدگان تأکید می‌کند. همچنین او بر نداشتن از اموال داخل خانه‌های دشمن و ممنوعیت قطع درختان، تخریب و سوزاندن مزارع، مسموم کردن سرزمین دشمن و نابود کردن خانه‌ها تأکید کرده است. (الیاسی، ۱۳۹۹: ۹۰)

خلفای راشدین در اعلامیه‌ها به سربازان پیروشان اخطار می‌کردند که به زنان، کودکان و پیران احترام بگذارند، از تخریب نخلستان‌ها و آتش زدن به خانه‌ها احتراز کنند و از خواربار و سایر مایحتاج دشمن بیش از آنچه نیاز دارند برندارند. همچنین با اسرای جنگی با رحم و شفقت رفتار کنند. مبادله اسرای جنگی یا آزادی آن‌ها در ازای پرداخت جریمه نقدی در مشرق زمین بیشتر از مغرب زمین معمول و متداول بوده است. در بسیاری از موارد، مسلمانان اسرای جنگی را بلاعوض آزاد می‌کردند.

چهارم: رفتار بشردوستانه فرماندهان معروف جهان اسلام

تاریخ اسلام وقایع و حوادث زیادی را تجربه کرده است. جنگ‌ها و مصایب متعدد بر مومنان و مجاهدان این راه تحمیل شده است؛ اما با ایمان عمیق به خدا و پیروی صحیح از قرآن و سنت نبوی، از این آزمون‌ها با موفقیت عبور کرده‌اند. نمونه‌هایی از این حماسه‌ها شامل جنگ‌های بدر، احد، احزاب، موته، یرموک، قادسیه و دیگر جنگ‌ها در برابر امپراتوری‌های بزرگ و همچنین جنگ‌های صلیبی و فتوحات شگرف سلطان صلاح الدین ایوبی هستند. این رویدادها بیانگر قهرمانی‌های حیرت‌آور فرماندهان معروف تاریخ

اسلام است که در این مقاله به اختصار به برخی از رفتارها و قهرمانی‌های آن‌ها اشاره می‌کنیم.

۱. رفتار جنگی خالد بن ولید رضی الله عنه

زندگی‌نامه حضرت خالد نشان می‌دهد که این شخصیت استثنایی در همه ابعاد جنگی از سایر فرماندهان متمایز است. او در دامن پرمهر رسول خدا -صلی الله علیه وسلم- پرورش یافته و به کمال رسیده است؛ به گونه‌ای که رسول اکرم -صلی الله علیه وسلم- او را "شمشیر خدا" لقب داده است.

حضرت خالد بن ولید به عنوان یکی از فرماندهان سپاه اسلام در غزوه موته در سال هشتم هجری تعیین گردید که این غزوه به دلیل تدابیر و تاکتیک‌های جنگی او به پیروزی رسید. در این نبرد، ابتدا حضرت زید به شهادت رسید و سپس جعفر بن ابی‌طالب و عبدالله بن رواحه نیز به شهادت رسیدند. در چنین شرایطی مسلمانان تصمیم گرفتند که حضرت خالد را به عنوان رهبر سپاه انتخاب کنند. با هوش و ذکاوت او، لشکر اسلام به پیروزی رسید. خالد بن ولید در طول زندگیش در ۱۲۵ جنگ بزرگ و کوچک شرکت کرد و در هیچ‌کدام شکست نخورد. (عبدالله ریگی، ۱۳۹۴: ۱۴)

دیپلماسی حضرت خالد بن ولید: در ربیع‌الاول سال دهم هجری، پیامبر اسلام حضرت خالد را به عنوان فرستاده خاص خود به نجران اعزام کرد. وظیفه او گفت‌وگو با نصرانیان نجران و شرح آموزه‌های دین اسلام به آن‌ها بود. خالد باید آن‌ها را دعوت می‌کرد تا در چارچوب دولت اسلامی به گفت‌وگو و زندگی مسالمت‌آمیز ادامه دهند یا در صورت عدم پذیرش، آماده برخورد نظامی باشند.

او با تشکیل هیئتی، برنامه‌های گفت‌وگوی گسترده‌ای را با ساکنان نجران آغاز کرد و به مدت چندین ماه فعالیت‌های فکری و دعوتی را در این زمینه ادامه داد. سرانجام با قناعت و همکاری مردم نجران، او موفق شد خبر موفقیت خود را به پیامبر اسلام برساند و مردم نجران نمایندگان خود را برای شناخت بیشتر دین اسلام به مدینه منوره بفرستند.

(خلیل هدف، ۱۴۰۲: ۲۰۵) این رفتارها نشان‌دهنده رویکرد بشردوستانه و دیپلماتیک فرماندهان اسلام در برابر دشمنان و غیر نظامیان است.

خصوصیات فرماندهی خالد بن ولید رضی الله عنه: خالد بن ولید -رضی الله عنه- یکی از برجسته‌ترین فرماندهان تاریخ اسلام است که ویژگی‌های منحصر به فردی در رهبری و فرماندهی داشت. از جمله این خصوصیات:

۱. وفای به عهد و احترام به معاهدات: خالد به توافقی‌ها و معاهداتی که بسته می‌شدند، با دقت و احترام عمل می‌کرد و هرگز به نقض آن‌ها نمی‌اندیشید.

۲. سعه صدر و نظم: او همواره در مدیریت امور با سعه صدر و نظم عمل می‌کرد. این ویژگی‌ها باعث می‌شد که زیر دستانش به او اعتماد داشته باشند و با انگیزه بیشتری در میدان جنگ حضور یابند.

۳. حضور فعال در میدان نبرد: برخلاف بسیاری از فرماندهان که از دور به هدایت لشکریان می‌پرداختند، خالد در خط مقدم جنگ‌ها حاضر می‌شد و شخصاً در نبردها شرکت می‌کرد. این شجاعت و از خود گذشتگی او به سربازانش اعتماد به نفس می‌داد و آن‌ها را تشویق به انجام بهترین عملکرد می‌کرد.

۴. یقین به پیروزی: خالد به پیروزی اسلام ایمان و یقین داشت و آن را همچون طلوع خورشید پس از شب می‌دانست. این اطمینان خاطر به پیروزی، روحیه لشکریان را تقویت می‌کرد و آن‌ها را به جنگیدن تشویق می‌نمود.

۵. مدیریت بحران و پذیرش تغییر: در زمان خلافت حضرت عمر -رضی الله عنه- که به دلیل برخی شرایط او از فرماندهی معزول شد، او به خوبی از موقعیت استفاده کرد و لشکریان را ترغیب کرد تا با فرمانده جدید، حضرت ابو عبیده -رضی الله عنه- همکاری کنند. او با این کار نشان داد که هدف او تنها پیروزی اسلام است و به مصلحت جامعه توجه دارد.

۶. **توجه به مصلحت عمومی:** خالد همواره به این نکته تأکید داشت که پیروزی تنها به فرمانده بستگی ندارد و این خداوند است که پیروزی را می‌دهد. او این نگرش را به لشکریان‌ش منتقل می‌کرد تا از شخصیت خود به عنوان یک فرد محوری در پیروزی‌ها دور شوند و به همبستگی و همکاری بیشتر توجه داشته باشند.

به طور کلی، خالد بن ولید -رضی الله عنه- نه تنها یک فرمانده نظامی ماهر بود؛ بلکه شخصیتی اخلاقی و الهام‌بخش بود که تمام زندگی‌اش را وقف خدمت به اسلام و اصول انسانی کرد. شجاعت و دیانت او در تاریخ اسلام بی‌نظیر است و او همواره به عنوان یک نمونه بارز از فرماندهی اخلاقی و انسانی شناخته می‌شود.

۲. ابو عبیده بن جراح رضی الله عنه

نام اصلی ابو عبیده، عامر بن عبدالله بن الجراح -رضی الله عنه- بود. او به دعوت ابوبکر صدیق -رضی الله عنه- به اسلام مشرف شد و این صحابه جلیل‌القدر از عشره مبشره بود؛ یعنی از جمله ده کسانی بود که در این دنیا مژده جنت برایشان داده شده بود. علاوه بر این، او از صحابه بدر و بیعت الرضوان نیز بود. ابو عبیده -رضی الله عنه- یک مجاهد فداکار و نمونه‌ای از تقوا، زهد و امانتداری بود. وقتی یک هیئت نجران نزد رسول اکرم -صلی الله علیه وسلم- آمدند و در مورد قضیه و اختلافی که بین‌شان پیدا شده بود، از پیغمبر -صلی الله علیه وسلم- شخصی امین و مصلحی را خواستند تا در بین آن‌ها به عدل و انصاف فیصله کند، پیغمبر -صلی الله علیه وسلم- از آن‌ها مهلت خواست و گفت که بعد از پیشین برایتان شخصی امین و مطمئن را می‌فرستم. عمر -رضی الله عنه- می‌گوید: «من از همه پیش‌تر به مسجد آمدم، بعد از نماز کمی قدی خود را بلند کردم تا چشم پیغمبر -صلی الله علیه وسلم- به من بخورد تا این نام نیک را کمایی کنم، اما پیغمبر -صلی الله علیه وسلم- این طرف و آن طرف را دید. رویش را به طرف ابو عبیده کرد و

گفت: با آن‌ها برو و در بین آن‌ها به حق فیصله کن». این آن وقتی بود که پیغمبر -صلی الله علیه وسلم- گفته بود: «لکل امة امین و امین هذه الامة ابو عبیده»

ترجمه: هر امتی امینی دارد و امین این امت ابو عبیده است. ابو عبیده در قافله سوم به حبشه هجرت کرد و از اولین مهاجرین مدینه است. (مهاجر، ۱۳۸۸: ۷۵)

ابو عبیده -رضی الله عنه- در تمامی غذاهای زمان پیغمبر -صلی الله علیه وسلم- به صفت یک فرمانده مجرب شریک شده بود و این افتخاری بزرگ برای او بود. وقتی در جنگ سلاسل پیغمبر -صلی الله علیه وسلم- او را به کمک عمرو بن عاص -رضی الله عنه- فرستاد، شخصیت‌هایی همچون ابوبکر و عمر -رضی الله عنه- را تحت فرمان او قرار داد. بعد از رحلت پیغمبر -صلی الله علیه وسلم- نیز در زمان ابوبکر صدیق و عمر -رضی الله عنه- در جهاد فی سبیل الله ادامه داد. چنانچه در زمان ابوبکر صدیق -رضی الله عنه- سر قوماندان اعلاّی هر چهار لشکر اسلامی در محاذ شام بود و ابوبکر -رضی الله عنه- شرحبیل بن حسنه، یزید بن ابوسفیان و عمرو بن عاص -رضی الله عنه- را تحت فرمان او قرار داد. در وقت رفتن به شام، ابوبکر صدیق -رضی الله عنه- تأثیه الوداع او را مشایعت کرد و در وقت وداع گفت: «ای ابو عبیده، با مردم رویه خوب کن، تا زنده هستی جهاد کن، تا اینکه بمیری و شهید شوی و خداوند -جل جلاله- نامه اعمال را به دست راستت بدهد و در آن حالت تمام آرمانت پوره می‌شود.»

الله -جل جلاله- ابو عبیده را در جنگ‌های بزرگی فاتح ساخت، لشکر مجهز و قوی شام و روم را شکست داد و در سرزمین‌های زیادی بیرق اسلام را به اهتزاز در آورد. ابو عبیده -رضی الله عنه- اگرچه فرمانده ماهر بود؛ اما شخصی بسیار حلیم و مهربان نیز بود. وقتی لشکر اسلام در مقابل لشکر قوی و کثیر رومیان قرار گرفت، ابو عبیده -رضی الله عنه- حالات جنگ و کثرت آنان را به دارالخلافه نوشت و از آن‌ها مشوره خواست و ابوبکر -رضی الله عنه- نظر به تقاضای وضع جیشی آن زمان که خالد -رضی الله عنه- نسبتاً محاذ عراق را تصفیه کرده بود، به خالد -رضی الله عنه- امر کرد با نیمه لشکر

خویش به سوی شام حرکت کند و نظر به تجربه جنگی که در عراق کسب کرده بود، قیادت لشکر شام را به عهده گیرد. همان بود که خالد -رضی الله عنه- قیادت لشکر شام را به عهده گرفت. جنگ تاریخی یرموک با وجود شش یا هفت برابر بودن اعداد لشکر رومیان به کاردانی خالد -رضی الله عنه- و فضل الهی به نفع مسلمین تمام شد و این جنگ در آخرین روزهای حیات ابوبکر صدیق -رضی الله عنه- واقع شده بود. وقتی عمر -رضی الله عنه- به خلافت رسید، حضرت خالد -رضی الله عنه- را از سپه سالاری عزل کرد و ابو عبیده -رضی الله عنه- را سر لشکر اسلام مقرر نمود؛ اما چون قاصد در جریان جنگ رسیده بود، ابو عبیده -رضی الله عنه- خبر بر طرفی خالد -رضی الله عنه- را به او نگفت و بعد از ختم جنگ به او اطلاع داد. خالد -رضی الله عنه- گفت: «ای ابو عبیده، خداوند -جل جلاله- به تو رحم کند، چه چیز تو را بازداشت که فرمان را به من نگفتی؟» امین الامت جواب داد: «به من خوشایند نبود که در زمان جنگ تو را به تشویش بیندازم، ما هیچ اقتدار دنیوی را نمی خواهیم و نه برای دنیا کار می کنیم، ما همگی در راه خدا برادران همدیگریم.» ابو عبیده -رضی الله عنه- در واقعه وبای عام شام وفات کرد که عمرش پنجاه و هشت سال بود. (مهاجر، ۱۳۸۸: ۸۰)

۳. سلطان محمد (فاتح) ۱۴۵۱-۱۴۸۱

نام سلطان محمد با حادثه ای بزرگ در تاریخ شرق نزدیک؛ یعنی فتح قسطنطنیه پیوند خورده است. از این رو، لقب «فاتح» به نام وی افزوده اند. این مسأله سبب شده است تا موقعیت او در میان سلاطین عثمانی بسیار ممتاز باشد. وی همچنین در برخوردهای دیپلماتیک، همواره سرشار و آگاهانه عمل کرده و شخصی بلند نظر و شجاع در جنگ بود. سلطان محمد با دانش جغرافیا، تاریخ و علوم نظامی آشنایی داشت و به زبان های ترکی، عربی، فارسی و یونانی سخن می گفت. وی همچنین در بنای مساجد و مراکز خیریه فعال بود و در این زمینه از بهترین هنرمندان یونانی و ایتالیایی استفاده می کرد.

یکی از مسائلی که محمد دوم از همان آغاز حکومتش در نظر داشت، تمام کردن مشکل قسطنطنیه و استیلا بر آن بود؛ جایی که مرکزی برای توطئه علیه عثمانی شده بود. از این رو، وی به لحاظ سیاسی و نظامی به آماده سازی موقعیت برای تسلط بر قسطنطنیه پرداخت. در شمار کارهای سیاسی انجام شده او می توان به قراردادهای صلحی اشاره کرد که با همه همسایگان و امیرنشین های مستقل مانند ونیز، جنوا، صرب، والاکیا و نیروهای قلمرو قدیس یوحنا در جزیره رودوس امضا کرد. هدف عمده از این معاهدات، جدا کردن دولت بیزانس به لحاظ سیاسی و نظامی از دولت و امیرنشین هایی بود که یا در همسایگی آن دولت بودند یا با آن، نوعی همراهی داشتند.

از ماه اپریل ۱۴۵۳، سلطان محمد از سمت خشکی با نیروهای بسیار زیادی که بالغ بر ۲۵۰ هزار نفر بود، قسطنطنیه را به سختی تحت محاصره قرار داد. این محاصره ۵۳ روز ادامه یافت و هر دو گروه به شدت تحت تأثیر تعصبات دینی خود بودند و به همین دلیل این نبرد صبغه دینی به خود گرفت. بیزانسی ها از قسطنطنیه که مرکز مسیحیت شرقی بود، دفاع می کردند؛ چنان که عثمانی ها به قصد قرار دادن آنجا به عنوان پایتخت اسلام، در تلاش بودند. در ۲۴ می سال ۱۴۵۳، سلطان فرمانی برای یک حمله سراسری علیه قسطنطنیه از خشکی و دریا صادر کرد. به دنبال آن، عالمان دین در سپاه عثمانی مقیم شده و فریاد «لا اله الا الله محمد رسول الله» سر می دادند و سپاهیان با فریاد آن را تکرار می کردند. تبلور روحیه دینی در ۲۸ می با آغاز حمله عثمانی ها به اوج خود رسید. به رغم اینکه مهاجمان با مقاومت سرسختانه ای نزدیک دروازه اصلی که به نام دروازه قدیس رومانوس نامیده می شد، روبه رو شدند، قوای ینی چری توانستند از دیوارهای پایتخت در این سمت بالا روند و نگهبانان دروازه دیگر را نیز غافلگیر کنند. امپراتور درازازیس به همراه بهترین فرماندهان خود، از جلو و عقب در محاصره افتاد. پس از آن که شمشیری بر صورتش و شمشیری دیگری بر رانش اصابت کرد، کشته شد؛ در حالی که جسد امپراتور در میان انبوه اجساد قرار داشت. عثمانی ها وارد شهر شدند و شهر را تصرف کردند و نماز ظهر را در کلیسای قدیسه صوفیا- که بعد از آن مسجد ایاصوفیه شد-

به جای آوردند و مسجد شدن آن را اعلام کردند. همچنین نام قسطنطنیه به اسلامبول یا استانبول، یعنی پایتخت اسلام تغییر یافت. (احمد، ۱۳۸۵: ۴۴)

قسطنطنیه از آغاز تأسیس خود جمعاً بیست و نه بار به محاصره افتاد و هفت مرتبه به دست جنگجویان سقوط کرد و در هر نوبت بار دیگر به تملک قیصرها در می آمد. تا اینکه برای هشتمین بار به دست سلطان محمد دوم (فاتح) در سال ۱۴۵۳ میلادی سقوط کرد و به سرنوشت آخرین قیصر و دولت روم شرقی خاتمه داد. این نخستین بار بود که قلمرو مسیحیت خارج و به قلمرو اسلام در می آمد.

سلطان محمد بیست روز در قسطنطنیه به سر برد و به نظم امور شهر فتح شده پرداخت. اولین فرمانی که صادر کرد، اعلان امنیت برای سکنه شهر بود و اینکه هرکس شهر را ترک کرده می تواند آزادانه و با اطمینان به منازل خود برگردد و سایر مردم کار و کسب عادی خود را از سر گیرند. سلطان بالاتر از همه این ها برای جلب توجه مسیحیان پاتریک جدیدی جهت آنان تعیین کرد و همان آداب و رسوم قدیمی را درباره او مرعی داشت و همان اختیاراتی را که اسلاف وی داشتند، به او بخشید. بسیاری از کلیساهایی که روی تخریب ندیده بودند همچنان باقی ماندند تا نصارا بتوانند مراسم خود را در آنجا انجام دهند. (عنان، ۱۳۹۴: ۲۷۰)

۴. رفتار سلطان صلاح الدین با صلیبیان

جنگ های صلیبی به حملات نظامی گفته می شود که اروپاییان صلیبی طی دو قرن برای رهایی بیت المقدس از دست مسلمانان و جلوگیری از پیشروی مسلمانان و اسلام به راه انداختند. جنگ اول صلیبی ۴۸۶-۴۹۲ هجری، جنگ دوم ۵۳۹-۵۴۳ هجری و جنگ سوم ۵۸۵-۵۸۸ هجری را شامل می شود. مطالعه تاریخی نشان می دهد که برخورد صلیبیان و اروپاییان در طی جنگ های صلیبی، که تقریباً دو صد سال به طول انجامید. فجایع و مصیبت های فراوانی را برای انسان ها به ارمغان آورد و پیامدهای ناگواری را به

جای گذاشت و همچنین درس بزرگی برای بشریت به ارمغان آورد. (عبد الله ناصح علوان، ۱۳۸۸: ۷۲)

رفتار رحیمانه و شریفانه صلاح الدین با صلیبیان: سلطان صلاح الدین با صلیبیان با عطف، رحمت و نیکی رفتار کرد و نمونه‌ای زیبا و الگوی شایسته از نرمش، عدالت و عفو را در زمان قدرت نشان داد تا همه بدانند که اسلام دین رحمت و انسانیت است. وقتی سلطان صلاح الدین به پیروزی رسید، متوجه شد که تعداد زیادی از اروپاییان که پدر و مادر ضعیف و نزدیکان بیمارشان را با پشت حمل می‌کنند، به شدت تحت تأثیر قرار گرفت. او به شدت متأثر شده و دستور داد تا اموالی به آن‌ها داده شود و چهارپایانی میان‌شان توزیع کنند تا کسانی که توان راه رفتن ندارند، حمل شوند و به کشورشان برگردند. (عبد الله ناصح علوان، ۱۳۸۸: ۹۲)

اقدامات بشردوستانه صلاح الدین در هنگام جنگ:

- محدود کردن جنگ به قلمرو متجاوزان: صلاح الدین با در نظر گرفتن قراردادهای صلحی که با برخی از امیرنشینان مسیحی داشت، پس از تصمیم به جنگ، به این قراردادها پایبند بود و هرگز تجاوز یا نقض قرارداد صلح از سوی برخی امیران را به حساب همه ایشان نگذاشت.

- رفتار انسانی در صحنه نبرد: در یکی از حملات صلاح الدین به دژهای مسیحیان، ساکنان یکی از دژها که از نرمش صلاح الدین آگاه بودند، اعلام کردند که در آن روز مراسم عروسی دارند. صلاح الدین دستور داد تا آن دژ را مورد حمله قرار ندهند و ساکنان نیز با ارسال غذا، سپاهیان او را در شام عروسی خود شریک کردند. (مجموعه مقالات دومین همایش اسلام و حقوق بشردوستانه، ۱۳۹۱: ۱۰۹)

- ابراز احترام به عقاید مسیحیان درباره بیت المقدس: صلاح الدین ایوبی به گروهی از سالخوردگان و ایتام مسیحی در بیت المقدس توجه کرد و به تناسب موقعیت هر یک از آنها حقوقی از اموال خود برایشان تعیین کرد.

خوش رفتاری با زنان و اسیران جنگی: ترحم و شفقت صلاح الدین نسبت به زنان و اسیران خیلی بیشتر بود. هنگامی که در قدس بود، زن یکی از پادشاهان روم برای عبادت و تقرب الله به همراه تعداد زیادی از خدمت‌گزاران، اتباع و اموالی بی‌شمار آمد، سلطان آن را نسبت به مال و جان و اتباعش مطمئن کرد. وقتی ملکه سبیل از او اجازه رفتن خود و اتباعش را خواست، لطف زیادی به او کرد و چنان بر حالش تأسف خورد که زبان‌ها به شکر و ثنای او درآمدند. با مهربانی و ترحم فراوان با او برخورد کرد و او را پیش شوهر زندانش در قلعه نابلیس فرستاد و اجازه داد که پیش او بماند. هنگامی خروج عده‌ای زیادی از زنانی که گریه می‌کردند و فرزندانشان را در آغوش گرفته بودند، با او بودند. وقتی به سلطان نزدیک شدند به او گفتند: «ای سلطان آیا تو ما را نمی‌بینی که از این دیار کوچ می‌کنیم؛ در حالی که ما همسر، مادر یا دختران این سربازانی هستیم که هنوز در اسارت تو هستیم. ما حالا این سرزمین را تا ابد ترک می‌کنیم و این سربازانی که آن‌ها را ترک می‌کنیم. توشه زندگی و اسلحه‌ای روزگار ما هستند اگر آن‌ها را از دست بدهیم زندگی را از دست داده‌ایم؛ ولی اگر آن‌ها را به ما ببخشی در واقع نعمت زیادی به ما بخشیده‌ای! ما بدون یاور و خانواده نمی‌توانیم بر روی دنیا زندگی کنیم. سلطان از گریه‌های شان و آنچه شنید متأثر شد، دستور داد که پسران را به مادران، شوهران را به همسران و پدران را به دختران‌شان بازگردانید. سوگند خورد که بقیه اسیران به خوبی و مهربانی رفتار کند. (عبد الله ناصح علوان، ۱۳۸۸: ۹۵)

نتیجه‌گیری

دین مقدس اسلام دارای سلسله قواعد و ارشادات روشنی در زمینه حفظ حیات و رعایت حال انسان‌ها، غیر نظامیان و مکان‌های غیر نظامی است و به احترام به کرامت و شأن والای انسان، حفظ حیثیت، نفس، مال، شرافت و عزت انسان‌ها در میدان نبرد تأکید می‌کند. در قرآن کریم، آیات متعددی وجود دارد که به رفتار بشردوستانه با دشمن در زمان جنگ امر می‌کنند. این آیات، انسان را صاحب کرامت می‌شناسد و قتل خودسرانه و غیرموجه یک انسان را جنایت علیه بشریت معرفی می‌کند. همچنین، احیای یک انسان را معادل احیای انسانیت می‌شمارد و مسلمانان را از خروج از جاده انصاف حتی در مواجهه با دشمن به شدت بر حذر می‌دارد.

عدالت در اسلام به تقوا نزدیک‌تر دانسته شده و از تجاوز، ظلم و اعتداء جلوگیری می‌کند و امر به مقاتله تنها با کسانی می‌کند که با مسلمانان نبرد می‌کنند. در حقوق اسلام، منابع کامل و جامعی در عرصه حقوق بشردوستانه وجود دارد که بر رفتار انسانی با قربانیان جنگ و رعایت اصل تفکیک بین افراد و اموال و مناطق نظامی و غیر نظامی تأکید می‌کند. حقوق اسلام در عرصه منازعات مسلحانه علاوه بر ضمانت اجرای دنیوی، دارای ضمانت اجرای اخروی نیز می‌باشد.

سرچشمه‌ها

- احمد، اسماعیل، (۱۳۸۵) دولت عثمانی از اقتدار تا انحلال، مترجم: رسول جعفریان، چاپ ۳، قم: پژوهشگاه حوزه.
- کمیته ملی حقوق بشردوستانه، (۱۳۸۹) آشنایی با حقوق بشردوستانه بین‌المللی، چاپ ۱، تهران: باختر.
- الیاسی، محمد قاسم، (۱۳۹۹)، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، کابل: نشر واژه.
- ابوزهره، محمد، (۱۳۹۳)، روابط بین‌الملل در اسلام، ترجمه: سید احمد اشرفی، کابل: انتشارات رسالت.
- حمیدالله، محمد، (۱۳۸۴)، سلوک بین‌المللی دولت اسلامی، ترجمه و تحقیق: سید مصطفی محقق داماد، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- خلیل هدف، عنایت الله، (۱۴۰۲)، روابط بین‌الملل در اسلام، چاپ ۱، کابل: انتشارات سعید.
- سباعی، مصطفی، (۱۳۹۵)، سیرت نبوی: درس‌ها و اندرزها، مترجم: فضل الرحمان فاضل، نوبت چاپ ۱۴، کابل: انتشارات میوند.
- سید قطب، (۱۳۹۱)، صلح جهانی و نظریه اسلام، مترجم: سید ناصر خسرو شاهی، کابل: انتشارات مستقبل.
- طارق، محمد اعظم، (۱۲۹۱)، مبانی مقررات حقوق بشردوستانه در اسلام و حقوق بین‌الملل، کابل: انتشارات رسالت.
- ضیایی بیگدلی، محمد رضا، (۱۳۸۵)، اسلام و حقوق بین‌الملل، چاپ ۸، تهران: انتشارات گنج دانش.
- عزیز، عبدالعزیز، (۱۴۰۳)، احکام اسیران جنگی در شریعت اسلام، کابل: انتشارات سعید.

- عظیمی شوشتری، عباسعلی، (۱۳۹۲)، حقوق بین‌الملل اسلام، چاپ ۲، تهران: نشر دادگستر.
- عنان، محمد عبدالله، (۱۳۹۴)، صحنه‌های تکان‌دهنده در تاریخ اسلام: ترجمه، علی دوانی، نشر ۱، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- قربانی، ناصر، (۱۳۹۰)، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، چاپ ۲، تهران: ناشر سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- مبارک‌پوری، صفی‌الرحمان، (۱۳۸۲)، سیرت النبی (صلی الله علیه وسلم)، الرحیق المختوم، مترجم: عبدالله خاموش هروی، چاپ ۱، هرات: انتشارات شیخ الاسلام احمد جام.
- مجموعه مقالات اولین همایش اسلامی و حقوق بشردوستانه، گروه نویسندگان، چاپ ۱، تهران: انتشارات سیما، (ICRC)، ۱۳۸۶.
- مجموعه مقالات دومین همایش اسلامی و حقوق بشردوستانه، گروه نویسندگان، چاپ ۱، تهران: انتشارات سیما، ۱۳۸۲.
- مهاجر، محسن، (۱۳۸۸)، یاران جان‌نثار سرور مختار، کابل: انتشارات الازهر.
- مهرپور، حسین، (۱۳۹۰)، نظام بین‌الملل حقوق بشر، چاپ ۴، تهران: ناصح علوان، عبدالله، (۱۳۸۸)، صلاح الدین ایوبی، چاپ، سنندج: ناشر آراس.
- نصر، سید حسین، (۱۳۹۴)، قلب اسلام، ترجمه: سید محمد صادق.